

پولیس

گفت‌وگو با عوامل مجموعه مستند «همسایه‌های خوب»

قصه آدم‌های معمولی در جعبه جادو

مجموعه مستند «همسایه‌های خوب» به کارگردانی مهدی بخشی مقدم و تهیه‌کنندگی مهدی شاه‌محمدی با شعار «گاهی آدم، حال خوب قریض می‌کند از همسایه خوب» به‌عنوان تازه‌ترین محصول مرکز مستند سوره، شنبه تا سه‌شنبه هر هفته ساعت ۱۹ از شبکه دوپخش می‌شود...

۷

سبک زندگی

مسجد جامع صفا، مکان خاصی است که برای تربیت نسلی انقلابی قدم برمی‌دارد

مسجدی برای صفای دل نسل جدید

حالا بسیاری از مساجد برای اقبال مختلف برنامه‌ریزی و برای کهنسالان و جوانان برنامه‌های اشتغال‌زایی و اردوهای مذهبی برگزار می‌کنند اما یکی از مساجد تهران برنامه‌هایش با دیگر مساجد پایتخت فرق دارد...

۱۲



یادداشتی از سعید مستغاثی، منتقد سینما

فیلم و سریال‌هایی که «برجام» را لو دادند!

۵



به انگیزه عذرخواهی آکادمی اسکار از دختر شجاع سرخپوست

دادخواهی رنگین‌پوستان از هالیوود

۱۰



گفت‌وگو با محمدرضا پورحکیمی کارگردان نمایش «خانه خراب»

بازسازی «مولیر» در دوران مشروطه

۱۱



گفت‌وگو با نیما نادری بازیگر سریال درحال تولید «شهباز»

انتخاب من نقش‌های منفی است

۶

تلنگر

وسریالی که موضوع فوق را در قاب دوربین خود قرار دادند، نگاهی داشته باشیم:

سقوط کاخ سفید (White House Down)

این تریلر سیاسی برای اولین بار در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۳ (۶ تیرماه ۱۳۹۲) به نمایش عمومی درآمد. فیلمی ساخته رولند امیش، فیلمساز تیلیاتی آمریکایی که آثاری مانند «روز استقلال»، «روز پس از فردا»، «۲۰۱۲»، «۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد» و... را در کارنامه خود دارد.

در فیلم «سقوط کاخ سفید» که حدود دو هفته پس از انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری اسلامی ایران به نمایش عمومی درآمد و البته تولید آن ماه‌ها پیش صورت گرفته بود، برای نخستین بار، برنامه هسته‌ای ایران از سوی رئیس‌جمهور رسیده‌ها پست آمریکا به نام جیمز ساتر (با بازی جیمی فاکس) صلح‌آمیز معرفی شد و تلاش به عمل آمد تا مذاکرات صلح برای انجام توافقی با ایران ادامه یابد. رئیس‌جمهور ایران در فیلم سقوط کاخ سفید که «الشریف» نام دارد، طرف ایرانی مذاکرات را تشکیل می‌دهد اما گروهی درون کاخ سفید به سرکردگی مارتین واکر (جیمز رود)، رئیس تیم محافظت رئیس‌جمهور، مخالف برنامه هسته‌ای ایران بوده و آن را منجر به ساخت بمب اتمی می‌دانند، درحالی‌که رئیس‌جمهوری «ساتر» به سختی با این تفکر مخالف است و می‌گوید برای جلوگیری از جنگ باید راه مذاکرات را در پیش گرفت. در واقع آنچه پس از انتخابات دور یازدهم ریاست جمهوری در زمینه مذاکرات هسته‌ای و سیاست‌های ایالات متحده نمود پیدا کرد، در فیلمی مانند سقوط کاخ سفید خود را به‌وضوح نشان داد. مثلا از نکات قابل‌تأمل این فیلم، تماس تلفنی رئیس‌جمهور آمریکا با رئیس‌جمهور ایران است که تا آن زمان سابقه نداشت ولی دو ماه و نیم بعد از نمایش در فیلم سقوط کاخ سفید و در جریان مجمع عمومی سازمان ملل اتفاق افتاد!

سریال میهن (Homeland)

سریالی معمایی جاسوسی محصول کمپانی اسرائیلی «گیدئون» که پخش آن از دوم اکتبر ۲۰۱۱ (۱۱ مهرماه ۱۳۹۰) آغاز شد.

در قسمت ۱۱ از فصل سوم این سریال که هشتم دسامبر ۲۰۱۳ (۱۸ آذر ۱۳۹۲) پخش شد، یک افسر نیروی دریایی آمریکا به نام نیکلاس برودی به ایران فرار کرده و ظاهراً به‌عنوان مخالف سیاست‌های جنگ طلبانه ایالات متحده پنهان شده اما طی عملیاتی غافلگیرانه، هنگام ملاقات با فرمانده سپاه قدس ایران، وی را به قتل می‌رساند. در قسمت ۱۲ از همین سیزدهم که ۱۵ دسامبر ۲۰۱۳ (۲۵ آذرماه ۱۳۹۲) نمایش داده شد، معلوم می‌شود که چهار ماه پس از ماجرای قتل فرمانده سپاه قدس، ایران به‌طور کامل همه شرایط آزانس بین‌المللی انرژی اتمی را پذیرفته و برنامه هسته‌ای خود را به‌طور کامل متوقف کرده تا تحریم‌هایی که علیه او وضع شده، لغو شود. این درحالی‌است که توافقی ژنو به‌عنوان پیش‌درآمد توافقی نامه برجام، در سوم آذرماه همان سال انجام گرفته بود و پیش‌فصل سوم سریال میهن از ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳ یعنی حدود سه ماه پیش از توافق یاد شده آغاز شده بود. در واقع سه ماه پیش از روشن شدن نخستین نتایج مذاکرات هسته‌ای در ژنو (به‌عنوان توافقی موقت)، این نتایج در یک سریال تلویزیونی مشخص شده بود!

فیلم و سریال‌هایی که «برجام» را لو دادند!



تیلور: حالا آقای رئیس‌جمهوری، بریم سراغ مسأله بازرسی‌ها. بیان شما در آخرین پیشنهادتون مبهم است. **حسن:** اجازه بدهید صریح صحبت کنم، کشور من می‌پذیره که به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نباشه، با نظارت کامل دیدبان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. **تیلور:** ولی جناب رئیس‌جمهوری، شرایط ما این بود که بازرسی‌ها آمریکایی باشن نه از آژانس.

□□□

حسن: خانم رئیس‌جمهوری، اگر یاساران انقلاب مادر خاک شما پایگاه داشته باشن، کنگره شما چی بهتون می‌گوید؟ مجلس ملی من هم همون را می‌گه. حتی اگر من با این موضوع موافقت کنم، اونا تصویبش نمی‌کنن. بالاخره من که پادشاه نیستم.

□□□

(صحنه بعد، تیلور، بی‌مشغول مشورت با معاونش در اتاق مجاور است) **تیلور:** به جوری چیزی که می‌خواد پیش بده...

□□□

معاون: خانم رئیس‌جمهوری... **تیلور:** شنیدی چی گفتم، مسأله بازرسی‌ها را حل کن. (به رئیس‌جمهور حسن که در اتاق مجاور است نگاه می‌کند) این مرد رهبریه که در هر دوران یک بار گیر می‌آید و همین الانش هم حمایتش را از سازمان‌های تروریستی قطع کرده و به‌طور خصوصی هم داره از راه‌حل ایجاد دو کشور (در فلسطین اشغالی) دفاع می‌کنه. چقدر دیگه می‌تونیم ازش انتظار داشته باشیم که خودش را به خطر بندازه؟

□□□

(در اتاق دیگر، رئیس‌جمهور حسن با برادرش فرهاد مشورت می‌کند). **فرهاد:** من همین الان داشتم با «کینن»، وزیر خارجه آمریکا صحبت می‌کردم. اون شرایط ما رو پذیرفته.

هنگامی که در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ با توافق نامه موسوم به «برجام» برنامه جامع اقدام مشترک، جزئیات توافق هسته‌ای ایران و غرب روشن شد، برخی از تماشاگران حرفه‌ای سریال‌های تلویزیونی به یاد فصل هشتم سریالی به نام «۲۴» افتادند که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ از شبکه تلویزیونی فاکس پخش می‌شد و پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای نخستین بار مسأله مبارزه ضد تروریستی را به‌عنوان موضوع اصلی یک مجموعه تلویزیونی در کادر دوربین خود قرار داد. ماجرای ماموری به نام «جک بائر» با بازی کيفر ساترلند که در واحد ضد تروریستی CTU هر روز با یک ماجرای تروریستی (همچون سوء قصد به جان رئیس‌جمهور، حملات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی، حملات سایبری و خنثی کردن توطئه‌های شرکت‌های بزرگ) مواجه شده و تلاش می‌کند تا توطئه یاد شده را خنثی کند. ساختار سریال به گونه‌ای بود که هر یک از این روزها (۲۴ ساعت) یک فصل این سریال را در ۲۴ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای تشکیل می‌داد. اما فصل هشتم سریال «۲۴» که در واقع آخرین فصل آن بود، از ۱۷ ژانویه سال ۲۰۱۰ تا ۲۴ ماه می‌هین سال (۲۸ دی ماه ۱۳۸۸ تا ۴ خرداد ۱۳۸۹)، در ساعت ۲۱ هر دوشنبه شب از شبکه فاکس روی آنتن رفت. ماجرای فصل هشتم درباره مذاکرات هسته‌ای رئیس‌جمهوری کشور جمهوری اسلامی کامیستان به نام «حسن» با رئیس‌جمهور آمریکا به نام «تیلور» در نیویورک بود. این درحالی بود که مخالفان این مذاکرات در کامیستان، توطئه قتل حسن را برای متوقف کردن مذاکرات طراحی کرده بودند و در اینجا بود که جک بائور در میدان شد. آنچه در زیر می‌آید، بخشی از فصل هشتم این سریال است (توجه کنید که این صحنه‌ها، حدود پنج سال پیش از توافق نامه برجام و چهار سال قبل از آغاز مذاکرات منتهی به آن، پخش شد):



سعید مستغاثی
مستندساز
و کارشناس سینما

«گزارشگر تلویزیون: اینجا در سازمان ملل لحظاتی پیش سخنگوی کاخ سفید تأکید کرد که رؤسای جمهوری «تیلور» و «حسن» یک کنفرانس خبری مشترک برگزار خواهند کرد. انتظار می‌رود که رئیس‌جمهور حسن، لغو برنامه تولید سلاح هسته‌ای از سوی کشورش را اعلام کند. رئیس‌جمهور حسن اعلام کرده است که ایشان این قرارداد را یک موفقیت تاریخی و شرعی تازه برای کشورش و همچنین کل منطقه خاورمیانه می‌دانند.

□□□

(صحنه مذاکرات هسته‌ای در حالی‌که در یک سوی میز رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا و همراهانش نشسته و در سوی دیگر رئیس‌جمهوری اسلامی کامیستان به نام حسن و برادرش فرهاد که گویا نیست به او، تندرو تر است.)

یادداشت

مولفانی که مترجم می‌شوند

درباره مقایسه میزان ترجمه و افزونی آن بر تألیف بسیار گفته شده است. نمی‌توان گفت که کیفیت آثار نویسنده و تصویرگر کودک و نوجوان داخلی نسبت به نویسنده و تصویرگر خارجی پایین‌تر است. اگر ۲۰ یا ۳۰ سال گذشته این سخن را می‌گفتیم، امکان داشت کسی این موضوع را باور داشته باشد اما امروز چنین قضایای درست نیست. در چند سالی که برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دآوری می‌کردم کتاب‌های مختلفی را از ناشران مختلف می‌دیدم و هم کار ترجمه و هم کار داخلی را بررسی می‌کردم. به این نتیجه رسیدم بسیاری از نویسندگان و تصویرگران ما از همان‌جا خارجی خود کم ندارند. حقیقت این است که ما کمترین هستیم یا چند هزار نویسنده و مقاله‌نویس و مواجعه ما با یک جهان است. یعنی ما با جهان آلمانی‌زبان، اسپانیایی‌زبان انگلیسی‌زبان و... روبه‌رو و در حال وارد کردن محتوا و ترجمه هستیم و یک کشور چندصد میلیونی در مقابل یک جهان چندصد میلیاردری قرار دارد. آن هم اگر ادبیات شرق اعم از چین، ژاپن، هند و این کشورها را به حساب نیاریم. بنابراین کمیت و تنوع ادبیاتی که نویسندگان ایرانی با آن روبه‌رو هستند بسیار بالاست. این‌که ما در حال مقابله با این کمیت و تعداد هستیم در این معنی نیست که کار ما ضعیف‌تر است. اصلاً این گونه نیست. ما در مقاطعی خصوصاً ادبیات نوجوان همسنگ ادبیات جهان هستیم و در این ۳۰ سال ادبیات نوجوان ما تنوع و نگرش تازه‌ای پیدا کرده است و در ادبیات کودک نیز پدیده‌های درخشانی مشاهده می‌شود. اگر از نویسنده ایرانی اقبال نمی‌شود اصلاً به معنای ضعیف بودن کارهای او نیست. ما تولیدکننده هستیم و تولیدات ادبیات کودک و نوجوان را می‌بینیم و معتقدیم که از سطح ادبیات جهان عقب نیستیم. اما اگر در جهان ترجمه نمی‌شویم و می‌بینیم کشوری مانند کره جنوبی در حال معرفی ادبیات‌اش در سطح جهان است دلایل مختلفی دارد. چرا که سیاستمداران آن کشور به این مسأله رسیده‌اند که معرفی فرهنگ یک ملت با ترجمه آثار هنری و ادبیاتی آن کشور امکان‌پذیر است. برای همین در کشور ما عمدتاً هزینه‌ای در این بخش نمی‌شود و بیشتر ترجمه می‌کنیم تا این‌که خودمان ترجمه شویم.



محمدرضا مروزی
داستان‌نویس

دوستان نویسندگی در حوزه کودک و نوجوان و حتی بزرگسال دارم که صاحب سبک و ژانرنویس هستند که قصد داشتند به‌طور حرفه‌ای فقط نویسنده باشند و کار قلم کنند، به این‌که هم کارمند اداره و جایی باشند و هم گهگاهی کتابی نیز چاپ کنند. اما حقیقت این است که بسیاری از این دوستان ناامید شده و به‌طور کامل کار نوشتن را کنار گذاشته‌اند و تعدادی از دوستان مولفم نیز که همچنان می‌خواستند در این فضا تنفس کنند مجبور شدند به کار ترجمه رو بیاورند. یعنی اکنون ما مولفان و نویسندگانی داریم که مترجم شده‌اند. این اتفاق بدی نیست و هر کسی می‌تواند مهارت‌های بسیاری مانند نویسندگی و ترجمه را با هم داشته باشد. اما مسأله این است که رو آوردن یک نویسنده به ترجمه از سربان است که آن نویسنده نمی‌تواند زندگی‌اش را تنها از راه نوشتن بگذراند. بهتر این است که فرد انرژی و تمرکزش را صرف کاری کند که بلد است و به آن علاقه دارد. بسیاری از دوستانم که نام و نشان‌شان را از تالیف به دست آورده‌اند حالا نام‌شان بر روی کتاب‌های ترجمه شده می‌خورد. در نهایت ما با این کار نویسندگان خلاق مان را از دست می‌دهیم.